

بررسی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران: دوران ریاست جمهوری آقایان خاتمی و احمدی نژاد

هادی آجیلی^۱
سید عسگری واجدی روشن^۲

چکیده: در دوران کنونی روزبه‌روز بر اهمیت دیپلماسی انرژی و به تبع آن بر اهمیت نفت به عنوان اصلی‌ترین عامل سیاسی در چرخه انرژی افزوده می‌شود. با بررسی دقیق در نوسانات صورت گرفته در تولید و صادرات و همچنین شرکت‌های سرمایه‌گذار در دو دوره ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد می‌توان به خوبی به اهمیت و ضرورت تدوین دیپلماسی انرژی برای جمهوری اسلامی ایران پی برد. در این راستا این مقاله درصدد است تا دیپلماسی انرژی را با تمرکز بر نفت در این دو دوره بررسی کند. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در این دو دوره مشخص دارای چه ویژگی‌هایی بوده است و آیا می‌توان سخن از دیپلماسی مشخص و مدون به میان آورد؟ با توجه به ویژگی‌های دیپلماسی انرژی در دوره ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد، باید گفت که جمهوری اسلامی ایران دارای دیپلماسی انرژی مدون و مشخصی در این دو دوره نبوده است. از جمله تشابهات، مدون نبودن و نبود برنامه مشخص در حوزه انرژی به‌طور عام و نفت به‌طور خاص و از تمایزات، نوع نگاه آن‌ها به دیپلماسی و اتخاذ سیاست‌های متفاوت است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی انرژی، ایران، دوران ریاست جمهوری خاتمی، دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد

۱. آقای هادی آجیلی، استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (hadiajili@yahoo.com)

۲. آقای سیدعسگری واجدی روشن، کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی (askari.vajedi@gmail.com)

مقدمه

ایران همواره به عنوان یکی از تولیدکنندگان و صادرکننده‌های اصلی نفت محسوب شده و نقش به‌سزایی در تأمین انرژی جهان داشته است. گفته می‌شود بزرگ‌ترین مجموعه لکه‌های نفتی در دنیا در خلیج فارس قرار دارد که فرصت بسیار خوبی برای بهره‌برداری‌های نفتی ایران است. اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌های توسعه و عملکرد اقتصاد ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی، شاهد بحران‌ها و نوسانات بسیاری بوده است و به دلیل وابستگی ایران به نفت، همیشه تحولات خارجی بر اقتصاد نفتی ایران مؤثر واقع شده است. در این بین در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد سیاست نفتی ایران دستخوش رویدادی شده است که مقاله حاضر درصدد بررسی آن‌هاست.

لازم به ذکر است که دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران از سیاست یک‌پارچه‌ای در حوزه انرژی پیروی نمی‌کنند و شاهد این مدعا هم رویکرد متفاوت دو دولت مورد بررسی در این مقاله است. دولت خاتمی با رویکرد فرهنگی و سیاسی محور خود به دنبال تنش‌زدایی با دیگر کشورهای جهان و دولت احمدی‌نژاد با رویکرد مقابله با نظام جهانی در پی ایجاد و استقرار نظامی مبتنی بر عدالت بوده است. به تبع این رویکردها سیاست‌های نفتی این دو دولت هم از چنین سمت‌وسوهایی برخوردار است. تولید و صادرات نفتی ایران در هر دو دوره، از سیاست‌های تحریمی کشورهای دیگر صدمه دیده است و آثار آن بر پیکره نفتی کشور قابل لمس می‌باشد. بر این اساس در این مقاله سؤال اصلی این است که دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در این دو دوره مشخص دارای چه ویژگی‌هایی بوده است و آیا می‌توان سخن از دیپلماسی شاخص و مدون به میان آورد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به ویژگی‌های دیپلماسی انرژی در دو دوره مشخص، جمهوری اسلامی ایران دارای دیپلماسی انرژی مدون و مشخصی در این دو دوره نبوده است. از جمله تشابهات، مدون نبودن و نبود برنامه مشخص در حوزه انرژی به‌طور عام و نفت به‌طور خاص و از تمایزات، نوع نگاه آن‌ها به دیپلماسی و اتخاذ سیاست‌های متفاوت است.

لازم به ذکر است این مقاله دیپلماسی انرژی را با تمرکز بر نفت تا سال ۱۳۹۰ بررسی خواهد کرد، چرا که به دلیل ماهیت تحریم‌های سنگینی که در سال ۱۳۹۱ بر ایران تحمیل شد، اساساً مقایسه این دوره‌ها را با اشکالاتی مواجه می‌نماید که برای رفع آن تلاش شده است تا سال ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گیرد.

۱. چارچوب نظری

در رابطه با اقتصاد سیاسی نظرات متفاوتی وجود دارد که هر کدام به بُعدی می‌پردازند اما نظریه‌پردازی همچون رابرت گیلپین به نوعی نظریه‌پردازی ترکیبی در این حوزه پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند که از جنبه‌های مثبت نظریات دیگر تاحدودی استفاده نمایند. از لحاظ تئوری نظرات گیلپین در زمره رئالیسم اقتصادی قرار می‌گیرد. اصولاً رهیافت رئالیسم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، حامل این پیام است که توسعه همکاری‌های اقتصادی بین‌الملل، محصول اراده‌های سیاسی خاصی است که آن همکاری‌ها را به نفع خود می‌بینند. با این حال، هر زمانی ممکن است تشخیص دهند چنین همکاری‌هایی به نفع‌شان نیست و استمرار همکاری‌ها را با اختلال یا مانع مواجه سازند (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۱۸۱). اقتصاد سیاسی، زاده وجود موازی و کنش متقابل دولت و بازار در جهان امروز است (گیلپین، بی‌تا، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

گیلپین نظریه ثبات هژمونیک را مطرح می‌کند. ثبات هژمونیک به شرایطی در عرصه نظام بین‌الملل اطلاق می‌شود که یک کشور دارای تفوق در زمینه‌های مختلف با ایجاد قواعد و رژیم‌های قدرتمند بین‌المللی، ثبات و تعادل سیستم را حفظ کرده و سایر کشورها را وادار می‌نماید تا آن قواعد را رعایت کنند (Gilpin, 1987: 43). بهره‌گیری از قدرت مستلزم آن است که هژمون از اقدامات مثبت برای ایجاد ساختاری از انگیزه‌ها از لحاظ مزایا تا پائین‌ترین سطح سلسله‌مراتب قدرت استفاده کرده و بدین ترتیب اعضا را در نظام نگاه دارد (قوام، ۱۳۸۴: ۷). در بحث انرژی با توجه به نظریه ثبات هژمونیک آن کشوری که بتواند سلطه خود را بر بازار اعمال نماید و از بازار برای افزایش قدرت خود بهره برد، توان تأثیرگذاری بر دیگران را پیدا خواهد کرد. از دیپلماسی انرژی مناسب می‌توان جهت افزایش این قدرت استفاده کرد و جایگاه چانه‌زنی کشور را در بازار بین‌المللی بالا برد.

از دیگر بحث‌های مرتبط گیلپین با اقتصاد سیاسی این است که به نظر او رابطه اقتصاد و سیاست یک رابطه تعاملی است. وی با تأکید بر نقش بازار در این تعامل بیان می‌دارد که می‌توان از ظرفیت و پتانسیل بازار برای پیشبرد اهداف و کارآمدتر ساختن کسب ثروت استفاده نمود. گیلپین در پاسخ به این سؤال که آیا هدف در اقتصاد سیاسی رفاه مصرف‌کننده است و یا منافع ملی کشور عرضه‌کننده محصول؛ معتقد است که هر دوی اینها از اهمیت برخوردار هستند و لذا معتقد به تعامل مثبت بین آنهاست. در نتیجه یک روابط دوسویه بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی وجود دارد؛ هر

چه این روابط به سمت تعامل بیشتر برود، می‌توان شاهد دستیابی بیش از پیش به منافع ملی باشیم.

۲. مفهوم دیپلماسی انرژی

دیپلماسی پیشینه‌ای به درازای تاریخ ملتها دارد. برخی نیز پیشینه دیپلماسی را همزمان با دوران پارینه سنگی در قبایل استرالیا، ساحل‌نشینان اقیانوس آرام، سیاهان آفریقا، سرخپوستان شمال و جنوب آمریکا و مردم چین و هندوستان به‌شمار می‌آورند (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲: ۳۳). هر چه در عصر جدید به جلو حرکت می‌کنیم، بیشتر به اهمیت دیپلماسی پی برده می‌شود. بیهوده نیست که گفته شود امروزه هر آنچه که اقتصادی است سیاسی نیز است. سیاست آنچنان با اقتصاد گره خورده است که واژگان جدیدی را در عرصه اقتصادی شاهد هستیم که یکی از این واژگان دیپلماسی انرژی است. در اینجا آنچه اهمیت دارد، پیوند میان سیاست به معنای عام و دیپلماسی به معنای اخص است.

اهمیت انرژی شامل نفت و گاز و سایر حامل‌های انرژی نو و فسیلی تاحدی است که اقتصاد درهم تنیده جهانی را به تنهایی معنا بخشیده و آن را کم‌فروغ‌تر از سایر مؤلفه‌های اقتصادی ساخته است؛ به‌گونه‌ای که در قرن جاری، پیوند انرژی و سیاست، پیوند اقتصاد و سیاست را ترجمان نموده است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۴). یکی از ۵ مؤلفه بقای انسان‌ها و همچنین هسته مرکزی استراتژی مادی برای اقتصاد جهانی و توسعه اجتماعی کارویژه انرژی است (2: Qinhu, 2007). دیپلماسی انرژی اساساً بین کشورهای تولیدکننده انرژی و کشورهای مصرف‌کننده انرژی برقرار است. در نتیجه در هر دو کشور تولیدکننده و دارنده تجهیزات بهره‌برداری از انرژی و کشورهای مصرف‌کننده انرژی، موضوع تدوین دیپلماسی انرژی اهمیت بسیاری دارد.

دیپلماسی نفت به ایجاد فرصت‌های تعامل بین‌المللی در جهت حداکثرسازی زنجیره ارزش نفت و گاز و بهره‌گیری از منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور کمک کرده و تلاش می‌کند تا با تکیه بر ابزار نفت و گاز، در جهت افزایش فرصت‌های بین‌المللی گام بردارد. این دیپلماسی در واقع انجام مأموریت‌های دیپلماتیک در راستای اهداف کلان توسعه و با هدف ارتقای موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور و جلب سرمایه‌گذاری و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در حوزه نفت و گاز است. وجه تمایز کلیدی ایران از کشورهای منطقه، حجم عظیم ذخایر نفت و گاز، موقعیت سوق‌الجیشی ممتاز و منحصر به فرد، دسترسی آسان‌تر به بازارهای مصرف انرژی و تجربه یک‌صد ساله است. از طرفی دیگر، موقعیت ژئوپلیتیک ایران به عنوان محل عبور نفت و صادرات

آن در منطقه، نزدیکی مناطق نفت‌خیز به پایانه‌های صادراتی، دسترسی به آب‌های آزاد، قابلیت تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اقتصادی منطقه، رشد شدید نیاز جهانی به گاز طبیعی و تمایل کشورهای مصرف‌کننده به تأمین نفت و گاز مورد نیاز خود از مبادی وارداتی مختلف، از مهم‌ترین فرصت‌ها و نقاط قوت استفاده از ظرفیت‌های نفت و گاز در تقویت امنیت ملی است (نشریه اکتشاف و تولید، ۸۹: ۴)

انرژی‌های فسیلی به‌ویژه نفت خام و گاز طبیعی از آن حیث که در بیان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند و سیاست بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۹). به سبب این که دیپلماسی امروز از حالت امنیتی-سیاسی صرف، به دیپلماسی اقتصادی-سیاسی تبدیل شده است، بر هماهنگی و هدفمند بودن دستگاه دیپلماسی و اقتصادی تأکید بیشتری وجود دارد؛ در حالی که این هماهنگی قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد و ضریب اعتبار و امنیت کشورها را افزایش می‌دهد (پورااحمدی، ۱۳۸۶: ۵).

شاید بتوان دیپلماسی انرژی را از سیاست‌های کلان نفتی جمهوری اسلامی ایران در دوران مختلف به‌ویژه در دوره مورد بررسی بیان نمود؛ البته با این ملاحظه که اساساً این مفهوم، مفهومی نو در کشور است که هنوز توجه لازم را به خود اختصاص نداده است. با توجه به این که هنوز نتوانسته‌ایم میزان وابستگی کشور به اقتصاد نفتی را کم نماییم، لازم است تا تمرکز و بررسی بیشتر در حوزه دیپلماسی انرژی داشته باشیم تا آسیب‌پذیری‌ها را در این حوزه به حداقل برسانیم.

در واقع دیپلماسی انرژی پاسخی به تهدیدات و محدودیت‌های ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شود، به عبارت دیگر می‌توان از طریق دیپلماتیک، برنامه‌ریزی اقتصادی، ارتقای قابلیت‌های فنی، تکنیکی و بهره‌گیری از منابع اقتصادی، زمینه‌های لازم را برای فعال‌سازی دیپلماسی فراهم آورد. این امر را می‌توان اصلی‌ترین محور دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی، اقتصادی و امنیتی کشورها دانست (مشعل، ۱۳۹۰: ۱).

۳. دوره ۱۳۸۴-۱۳۷۶ (۲۰۰۵-۱۹۹۷)، ریاست جمهوری سید محمد خاتمی

نفت در این دوره که با انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران شروع می‌شود تحولاتی را به خود دید. پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و روی کار آمدن اصلاح‌طلبان، دیدگاه‌های بعضاً متفاوتی در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمودار شد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۳۰). برطبق اصول جدید در این دوره در سیاست خارجی که بر تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید داشت، ایران باید به صورت

یک قدرت مدنی در صحنه بین‌المللی رفتار می‌کرد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۹). با توجه به این که در این دوره با سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز به جهان خارج نگاه شده است، تحولات نفتی در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تولید

تولید در این دوره تغییر جدی نداشته است و در سال‌هایی با کمی افزایش و در سال‌هایی با کمی کاهش همراه بوده است که بیشترین افزایش آن در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) است که به سمت عدد چهار میلیون کشیده می‌شود و در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) با افزایش بسیار جدی همراه بوده و میانگین تولید روزانه به ۴,۰۹۱,۵ میلیون بشکه در روز رسید که این رقم بالاترین میزان میانگین تولید روزانه ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده است.

مجموع تولید نفت خام جمهوری اسلامی ایران b ۱۰۰۰

سال	میانگین روزانه	مجموع	% تغییر میانگین روزانه
۱۹۹۷	۳۶۰۳, ۴	۴۷۴۱۶۲۰۷	۰, ۲
۱۹۹۸	۳۷۱۴, ۰	۴۸۷۷۱۸۱۷	۳, ۱
۱۹۹۹	۳۴۳۹, ۰	۵۰۰۲۷۰۵۲	-۷, ۴
۲۰۰۰	۳۶۶۱, ۳	۵۱۳۶۷۰۷۰	۶, ۵
۲۰۰۱	۳۵۷۲, ۰	۵۲۶۷۰۸۵۰	-۲, ۴
۲۰۰۲	۳۲۸۴, ۰	۵۳۸۵۶۳۷۰	-۹, ۱
۲۰۰۳	۳۷۴۱, ۶	۵۵۲۲۲۰۵۴	۱۵, ۲
۲۰۰۴	۳۸۳۴, ۲	۵۶۶۲۵۳۷۱	۲, ۵
۲۰۰۵	۴۰۹۱, ۵	۵۸۱۱۸۷۶۸	۶, ۷

(Annual Statistical Bulletin, 2006)

۳-۲. صادرات

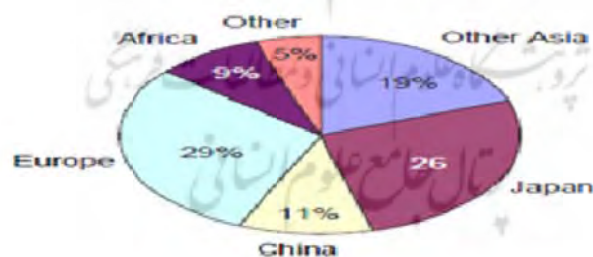
صادرات ۸۵۴ میلیون بشکه‌ای در سال ۱۳۷۷، در سال ۱۳۷۸ کاهش پیدا می‌کند و به ۸۱۰ میلیون بشکه می‌رسد. اما همان‌طور که در ادامه در جدول خواهید دید از سال ۱۳۸۲ به بعد میزان صادرات با رشد همراه بوده است و به ۱۰۸۷ میلیون بشکه و در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به ترتیب ۱۰۷۲ و ۱۰۶۴ میلیون بشکه می‌رسد.

صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی: (میلیون بشکه معادل نفت خام)

سال	میزان صادرات
۱۳۷۶	۸۵۵
۱۳۷۷	۸۵۴
۱۳۷۸	۸۱۰*
۱۳۷۹	۹۵۵,۱*
۱۳۸۰	۸۹۷,۷*
۱۳۸۱	۹۲۰
۱۳۸۲	۱۰۸۷
۱۳۸۳	۱۰۷۲
۱۳۸۴	۱۰۴۶

(ترازنامه انرژی، بی تا)

سال‌های ۷۹-۱۳۷۸ شامل مبادلات سوآپ نفت خام و از سال ۱۳۸۰ به بعد شامل صادرات گاز مایع پتروشیمی‌ها، صادرات مایعات و میعانات گازی و مبادلات سوآپ نفت خام می‌گردد. در ذیل میزان صادرات ایران در سال ۲۰۰۴ را که به نوعی نشان‌دهنده نحوه پراکندگی صادرات ایران در این دوره است آورده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین سهم از صادرات ایران را اروپا به خود اختصاص می‌دهد که قابل تأمل است (EIA: 2004).



۳-۳. تحریم نفتی

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ایران توسط کشورهای استکباری در ادوار مختلف مورد تحریم قرار گرفت که بیشتر آن‌ها، تحریم‌های اقتصادی بوده است. تحریم اقتصادی به معنی تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در

سیاست آن کشور و یا دست کم بازگوکننده نظر یک کشور درباره این قبیل سیاست‌ها می‌باشد (ناصرپور، ۱۳۸۶: ۲۳).

عبارت "تحریم‌های اقتصادی" به معنی اقدامات غیرنظامی است که بر انتقال کالا، خدمات و یا سرمایه به یک کشور خاص، تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با اهداف سیاسی دولت تحریم‌کننده و یا بیان ناخرسندی کشور تحریم‌کننده از اقدامات و رفتارهای آن کشور است (بهروزی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

در ذیل تحریم‌های صورت گرفته توسط کشورهای مختلف به‌ویژه آمریکا آورده می‌شود، لازم به ذکر است که برخی از این تحریم‌ها در ارتباط مستقیم با مسئله نفت و انرژی است، و برخی به صورت غیرمستقیم بر این فعالیت‌ها تأثیر می‌گذارد (مؤسسه تدبیر اقتصادی، ۱۳۸۷).

تاریخ	دلایل تحریم	ماهیت تحریم
۲۰۰۱	تشدید روابط خصمانه با روی کارآمدن بوش پسر	تمدید تحریم‌های قانون تحریم ایران و لیبی ^۱
۲۰۰۲	اتهام پناه دادن به تروریست‌ها	معرفی ایران به عنوان محور شرارت
۲۰۰۴	انتخاب نمایندگان اصولگرا در مجلس هفتم	سخت تر شدن سیاست امریکا در قبال ایران
۲۰۰۵	متهم کردن ایران به داشتن سلاح هسته‌ای	جهت دهی افکار جهانی به سمت ایران هسته ای

در بین تحریم‌های مزبور قانون تحریم ایران و لیبی دیده می‌شود. به موجب این طرح، هر شرکت یا دولتی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کند، از سوی آمریکا مجازات اقتصادی خواهد شد (عادلی، ۱۳۸۹: ۵۵۹) و این که ایران را در این دوره به عنوان محور شرارت اعلام نمودند سبب گردید تا ایران به عنوان کشوری بی‌ثبات به جهان معرفی شود و مشکلات زیادی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران فراهم کرد.

۳-۴. درآمدهای نفتی

در سال ۱۳۷۶ میزان درآمد نفتی کشور کاهش پیدا کرد. اما از سال بعد دوباره درآمدهای نفتی افزایش یافت و در سال ۱۳۷۷ به ۱۶,۰۹ میلیارد دلار و در سال بعد با افزایش بسیار به ۲۵,۴۴ میلیارد دلار رسید اما در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ با کمی کاهش به ترتیب به عدد ۲۱,۴۲ و ۱۹,۲۲ میلیارد دلار رسید. از سال ۱۳۸۲ به بعد درآمدهای نفتی ایران افزایش بی‌سابقه‌ای در طول چند دهه گذشته انقلاب اسلامی داشت (Annual Statistical Bulletin, 2006).

(ارقام میلیارد دلار می‌باشد)

سال	میزان درآمد	سال	میزان درآمد
۱۳۷۶	۱۰,۴۸	۱۳۸۱	۲۶,۱۲
۱۳۷۷	۱۶,۰۹	۱۳۸۲	۳۴,۲۹
۱۳۷۸	۲۵,۴۴	۱۳۸۳	۵۳,۲۱
۱۳۷۹	۲۱,۴۲	۱۳۸۴	۵۳,۸۲
۱۳۸۰	۱۹,۲۲		

کمترین قیمت نفت در این دوره در سال ۱۹۹۸ و بیشترین سطح قیمت‌ها در سال ۲۰۰۴ بود که موجب شد درآمد کشور رشد قابل توجهی پیدا کند.

۳-۵. حوادث این دوره، تحریم‌ها و سیاست‌های نفتی

از راهبردهای نفتی این دوره می‌توان به این موارد اشاره نمود: پذیرش اصل تعامل مؤثر و همکاری با تولیدکنندگان بزرگ اوپک در عین رقابت و اختلاف‌نظر با آنان با هدف دستیابی حداکثری به منافع ملی. به عنوان مثال، می‌توان به سیاست‌های همکاری در عین رقابت با عربستان، پرهیز از کاربرد ادبیات خشن در روابط دوجانبه، محکم بودن در مذاکرات پنهان و نرم بودن در بیان سیاست‌های اعلامی و همراهی با مصرف‌کنندگان و حضور فعال در گفتگو بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اشاره کرد. همچنین دیگر سیاست‌های اتخاذ شده مواردی مانند سیاست افزایش امنیت عرضه نفت برای مصرف‌کنندگان از طریق اوپک و غیر آن، با هدف کاهش اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و جدا کردن اروپا و ژاپن از آمریکا با هدف اعتمادسازی به‌ویژه برای جلب منافع مالی و فناوری پیشرفته آن‌ها را در بر می‌گیرد.

از طرف دیگر تلاش شد تا امنیت تقاضا و تأمین مالی برای کشور با ایجاد امنیت عرضه برای مصرف‌کنندگان، به‌ویژه باتوجه به تغییر جغرافیای مصرف (نمونه مهم آن چین، ژاپن و هند هستند)، پیوند داده شود (زنگنه، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰).

در این دوره که با ریاست جمهوری خاتمی آغاز شد، با رویکرد تنش‌زدایی با کشورهای دیگر همراه بود. اما به‌رغم تلاش‌های بسیار برای ایجاد فضایی ایمن برای شرکت‌های سرمایه‌گذار در بُعد سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت فروش نفت و گاز، با تحریم‌های آمریکا این تلاش‌ها چندان نتیجه‌ای نداد و آمریکا نشان داد که با تعامل هم با ایران سر سازگاری نخواهد داشت.

در زمان بوش پسر دو نوع تحریم علیه ایران صورت گرفت: اول تمدید قانون ایلسا و دوم تحریمی که به موجب آن ایران و کشورهای طرف معامله با آن زیر فشار قرار می‌گیرند. کنگره و سنای آمریکا با تصویب این قانون هم تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را تشدید کردند و هم شرکت‌های خارجی معامله‌کننده با ایران را مشمول تنبیه و مجازات قرار دادند (عادلی، ۱۳۸۹: ۵۳۵).

تحریم ایلسا در واقع بدترین تحریمی بود که بر صنعت نفت ایران تحمیل شد. در مورد تحریم ایران-لیبی تقریباً تمامی تجارت دوجانبه را که در آن شرکت‌های خارجی در سال بیش از ۴۰ میلیون دلار در حوزه‌های نفتی جدید ایران سرمایه‌گذاری نمایند را ممنوع نمود (قمصری و نسیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). البته در ابتدا سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار و بعد سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنعت نفت ایران ممنوع شد. این تحریم سبب شد تا ظرفیت‌های پالایش نفت در کشور، هماهنگ با تولید رشد نکند. اما ایران توانست به موفقیت‌هایی دست پیدا کند. در این دوره بزرگ‌ترین میدان نفتی، میدان آزادگان با حجم ذخیره نفتی در جای اولیه بیش از ۳۰ میلیارد بشکه است که در سال ۱۳۷۸ کشف شده و توسعه یافت.

اولین حفاری چندشاخه‌ای در میدان سلمان در سال ۱۳۷۸، انجام شد (دخانی، ۱۳۸۷: ۸). همچنین در این دوره ۵ فاز از میدان پارس جنوبی به تولید رسیدند. در جدول زیر مراحل توسعه میدان گازی پارس جنوبی و از جمله پیمانکارهای آن آورده شده است (گروه نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

مراحل توسعه			
۱	۲ و ۳	۴ و ۵	
پتروپارس	توتال	آنی ، پتروپارس	پیمانکار اصلی
۸۹۰	۱۷۸۰	۱۷۸۰	میزان تولید گاز استاندارد (میلیون فوت مکعب در روز)
۳۹۰۰۰	۷۸۰۰۰	۷۸۰۰۰	تولید میعانات گازی (بشکه در روز)
۲۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تولید گوگرد (تن در روز)
۰	۰	۱	گاز مایع (میلیون تن در سال)
۰	۰	۷۰	اتان (میلیون فوت مکعب در روز)
۱۳۸۱	۱۳۸۱	-	سال بهره‌برداری کامل

همان‌طور که مشاهده می‌شود به‌رغم تهدیدها و تحریم‌ها ایران توانست با شرکت بزرگ توتال در استفاده از فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی همکاری نماید که این از دو عامل نشأت می‌گیرد: ۱. نیاز این شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در ایران؛ و ۲. دیپلماسی مناسب کشور که توانست با ایجاد اعتماد، فضای همکاری را تسهیل نماید. جدول زیر وضعیت عربستان به عنوان رقیب بزرگ ایران در اوپک و جدول بعد وضعیت چند کشور بزرگ نفتی دیگر را نشان می‌دهد.

وضعیت تولید نفت ایران و عربستان در اوپک (۱۹۹۷-۲۰۰۵)

سال	ایران	عربستان	اوپک	سال	ایران	عربستان	اوپک
۱۹۹۷	۳,۶۰۳,۴	۸,۰۱۱,۷	۲۶,۱۴۵,۴	۲۰۰۲	۳,۲۴۸,۰	۷,۰۹۳,۱	۲۵,۲۱۶,۷
۱۹۹۸	۳,۷۱۴,۰	۸,۲۸۰,۲	۲۸,۴۵۲,۲	۲۰۰۳	۳,۷۴۱,۶	۸,۴۱۰,۳	۲۷,۷۸۰,۸
۱۹۹۹	۳,۴۳۹,۰	۷,۵۶۴,۷	۲۶,۹۴۸,۶	۲۰۰۴	۳,۸۳۴,۲	۸,۸۹۷,۰	۳۰,۵۶۵,۹
۲۰۰۰	۳,۶۶۱,۳	۸,۰۹۴,۵	۲۸,۴۸۱,۱	۲۰۰۵	۴,۰۹۱,۵	۹,۳۵۳,۳	۳۱,۷۹۰,۶
۲۰۰۱	۳,۵۷۲,۰	۷,۸۸۸,۹	۲۷,۶۱۳,۸				

(Annual statistical Bulletin, 2006)

مقایسه تولید و مصرف نفت در ایران با بازیگران بزرگ بازار نفت

میلیون بشکه در روز	۱۹۹۹	۲۰۰۱	۲۰۰۳	درصد در سال ۲۰۰۳
ایران تولید	۳۶۰۳	۳۷۳۴	۳۸۵۲	۵/۱
مصرف	۱۱۹۲	۱۱۲۷	۱۱۳۲	۱/۵

۱۲/۸	۹۸۱۷	۸۹۹۲	۸۶۹۴	تولید	عربستان
۱/۸	۱۴۳۷	۱۳۴۷	۱۳۰۶	مصرف	
۴/۶	۳۳۹۶	۳۳۰۶	۲۳۱۳	تولید	چین
۷/۶	۵۹۸۲	۵۰۳۰	۴۴۱۶	مصرف	
۹/۲	۷۴۵۴	۷۶۲۶	۷۷۳۱	تولید	آمریکا
۲۵/۱	۲۰۰۷۱	۱۹۶۴۹	۱۱۵۱۹	مصرف	
۱۱/۴	۸۵۴۳	۷۰۵۶	۶۱۷۸	تولید	روسیه
۳/۴	۲۵۰۳	۲۴۵۶	۲۵۳۴	مصرف	

(BP statistical review of world energy, 2004)

نکته: برخی از آمارهای این جدول چون برگرفته از BP است، کمی متفاوت از آمار اوپک می‌باشد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در طول این سال‌ها تولید عربستان و ایران چندان تغییری با سال‌های قبل نداشته است و تقریباً سهم ثابتی را از مجموع تولید اوپک به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در جدول دوم مشاهده می‌شود که فاصله ایران با کشورهای مثل آمریکا و روسیه تا چه حد زیاد است. در سال ۱۳۸۳ ایران پس از عربستان، روسیه و آمریکا در مقام چهارم تولیدکنندگان نفت در جهان قرار گرفت (نشریه مشعل، ۱۳۸۳: ۶).

در این دوره سید محمد خاتمی با تحکیم روابط با کشورهای مهم اروپایی مانند ایتالیا، فرانسه و آلمان عملاً تحریم اعمال‌شده توسط آمریکا را بی‌اثر ساخت. همچنین گفتگوی خاتمی با شبکه سی.ان.ان تأثیر قابل‌توجهی در افکار عمومی آمریکایی‌ها گذاشت که در جهت‌گیری مقامات این کشور بی‌تأثیر نبود. نیروهای علمی و دانشگاهی در کنار مدیران شرکت‌های نفتی که خواهان سرمایه‌گذاری در منابع انرژی هستند تأثیر بازدارنده‌ای بر سیاست مهار منسجم آمریکا گذاشت (نصری، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

اما به‌رغم این تلاش‌ها همان‌طور که گفته شد آمریکا تحریم‌ها را از میان برداشت، اما در عین حال شرکت‌های متعددی، از جمله توتال فرانسه، جهت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران اعلام آمادگی کردند. در همین راستا رئیس‌جمهور فرانسه اعلام نمود که فرانسه این مشی آمریکا را دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر می‌داند و چنان که شرکت‌های فرانسوی از این قانون متأثر شوند فرانسه اقدامات تلافی‌جویانه انجام خواهد داد. همزمان با رئیس‌جمهور فرانسه، وزیر خارجه انگلستان

ابراز داشت که هیچ کشوری حق ندارد به شرکت‌های سایر کشورها بگوید در کشور سومی چگونه باید رفتار کنند.

این جملات رسمی مقامات انگلستان و فرانسه نشان می‌دهد که آن‌ها همیشه موافق با تحریم ایران نیستند و از سوی دیگر به این مورد باید توجه نمود که سفر دیپلماتیک سید محمد خاتمی در این دوره به کشورهای فرانسه، انگلیس و ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی در چنین رویکردی بی‌تأثیر نبوده است و ایران توانست با شرکت‌های خارجی که مهم‌ترین آن‌ها توتال فرانسه بود، در مورد فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی که یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های ایران است، همکاری نماید.

تهران و ایروان در سال ۲۰۰۴، توافق‌نامه‌ای رسمی را در زمینه عرضه گاز ایران به ارمنستان امضا کردند. ظرفیت سالانه این خط لوله حدود دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب است که تقریباً با مقدار کنونی صادرات گاز روسیه به ارمنستان برابری می‌کند (ثقفی عامری، ۱۳۸۹: ۲۱۶). مذاکرات ایران و ژاپن برای توسعه میدان نفتی عظیم آزادگان حدود سه سال طول کشید و سرانجام در بهمن ۱۳۸۲، قرارداد ۳ میلیارد دلاری توسعه این میدان نفتی به امضای شرکت ملی نفت ایران و شرکت اینپکس ژاپن رسید (ثقفی عامری، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

در اوایل سال ۱۳۸۳، بهره‌برداری از مرحله نخست طرح انتقال و فراورش نفت خام کشورهای حوزه دریای خزر موسوم به طرح "کراس" آغاز شد. در چارچوب این طرح نفت کشورهای روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان از طریق تانکر به بندر نکای ایران انتقال می‌یابد و سپس در پالایشگاه‌های ایران تصفیه و به مصرف داخل می‌رسد (میرترابی، ۱۳۸۴: ۲۵۵). در این دوره سیاست‌های ایران مبنی بر ارتقای روابط با کشورهای دیگر به ویژه عربستان، ونزوئلا و دیگر اعضای اوپک و غیراوپک بود. در این راستا سفرهای زیادی به کشورهای مختلف انجام گرفت. ایران توانسته بود عربستان را از یک قدرت نهایی تصمیم‌گیر در اوپک خارج کند و بتواند در تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذارتر شود. همچنین در طول این سال‌ها میادین جدید نفتی نیز کشف شد که در جدول زیر ذکر شده است (حلیم زمهریر و میرزایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۶۱۹).

میادین نفتی کشف‌شده در سال‌های ۱۳۸۲ - ۱۳۷۷

ردیف	نام میدان	سال اکتشاف	ذخیره نفت در (میلیون بشکه)
۱	لایه نفتی پارس جنوبی	۱۳۷۷	۶۰۰۰
۲	آزادگان	۱۳۷۸	۲۵۰۰۰

۹۴۴	۱۳۷۸	چنگوله	۳
۱۶۸	۱۳۷۹	آرش	۴
۹۰۰۰	۱۳۷۹	کوشک	۵
۳۳۷۶	۱۳۷۹	منصورآباد	۶
۴۷۰	۱۳۸۰	توسن	۷
۶۰۰۰	۱۳۸۱	فهلپیان (افق خامی میدان آزادگان)	۸
۷۷	۱۳۸۱	افق خامی میدان بینک	۹
۱۵۲۶	۱۳۸۱	تاق‌دیس حسینیه در افق خامی	۱۰
۶۲۸۹	۱۳۸۳	رامین (مخزن سورک)	۱۱
۶۸۷,۵	۱۳۸۴	مخزن خامی منصوری	۱۲
۱۶۸۷۳	۱۳۸۲	حسینیه و کوشک (افق های سروک و فهلپیان)	۱۳

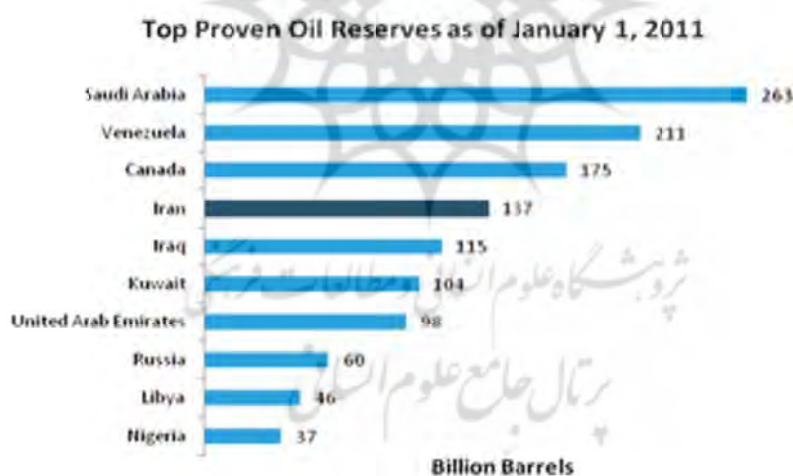
۴. دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۴ ش (۲۰۱۱-۲۰۰۵ م) دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تغییری جدی در سیاست‌های دولت به وجود آمد. دولت در این دوره با بازتعریف مجدد رابطه با دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به دنبال تغییر فضا و گستره فعالیت‌های دیپلماتیک بود و از سوی دیگر با اتخاذ دیپلماسی فعال و تهاجمی و عبور از سیاست دفاعی در پی قرار گرفتن در جایگاه مدعی و نه متهم در نظام بین‌الملل برآمد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۳۳).

۴-۱. تولید

میزان تولید که از سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) افزایش چشمگیری داشته است در سال‌های بعد تا ۲۰۰۸ ادامه پیدا می‌کند و از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به ترتیب ۴,۰۹۱,۵، ۴,۰۷۲,۶، ۴,۰۳۰,۷ و ۴,۰۵۵,۷ هزار بشکه رسید، اما از سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) دوباره میانگین تولید روزانه کاهش پیدا کرده و تا سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) به ترتیب به ۳,۵۵۷,۱، ۳,۵۴۴,۰ و ۳,۵۷۶,۰ هزار بشکه در روز رسید (Annual Statistical Bulletin, 2012).

سال	میانگین روزانه	مجموع	% تغییر میانگین روزانه
۲۰۰۵	۴۰۹۱۵	۵۸۱۱۸۷۶۸	۶,۷
۲۰۰۶	۴۰۷۲۶	۵۹۶۰۵۲۶۷	۰,۵ -
۲۰۰۷	۴۰۳۰۷		
۲۰۰۸	۴۰۵۵۷		
۲۰۰۹	۳۵۵۷۱		
۲۰۱۰	۳۵۴۴۰		
۲۰۱۱	۳۵۷۶۰	۶۶۴۵۷۹۸۴	

به میزان تولید ایران در سال ۲۰۱۱ توجه نمایید، در این سال ایران بعد از سه کشور عربستان، ونزوئلا و کانادا در مقام چهارم تولید نفت قرار دارد (oil and gas journal, 2011).



۲-۴. صادرات

میزان صادرات در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ از رقم خوبی برخوردار بود اما در سال ۱۳۸۸ ناگهان پایین آمد، ولی در سال بعد توانست به رقم گذشته برگردد. همچنین در سال ۱۳۹۰ هم با کمی افزایش همراه بود.

صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی: (میلیون بشکه معادل نفت خام) (ترازنامه انرژی، بی تا)

سال	میزان صادرات
۱۳۸۴	۱۰۴۶
۱۳۸۵	۱۰۶۴
۱۳۸۶	۱۰۸۲
۱۳۸۷	۱۰۳۰
۱۳۸۸	۹۷۷
۱۳۸۹	۱۰۳۲
۱۳۹۰	۱۰۵۶

تحریم نفتی (مؤسسه تدبیر اقتصادی، ۱۳۸۷)

تاریخ	دلایل اعمال تحریم	ماهیت تحریم
ژانویه ۲۰۰۶	تداوم متهم کردن ایران به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای	تصمیم به گزارش هسته ای ایران به شورای امنیت در جلسه گروه (۵+۱) لندن
سپتامبر ۲۰۰۶	حمایت از تروریسم و حزب الله لبنان	تحریم بانک صادرات
ژانویه ۲۰۰۷	حمایت از سلاح کشتار جمعی	تحریم بانک سپه
ژوئن ۲۰۰۷	تلاش برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی	تحریم ۲۷ تن از افراد و سازمان های ایرانی
اکتبر ۲۰۰۷	مقابله با تروریسم	تحریم نیروهای قدس سپاه و بانک ملی ایران
سپتامبر ۲۰۰۸	پیگیری برنامه هسته ای و تسلیحاتی ایران	تحریم معامله با کشتی رانی و هواپیمایی ایران
اکتبر ۲۰۰۸	پیگیری برنامه هسته ای و تسلیحاتی ایران	تحریم بانک توسعه صادرات ایران
سپتامبر ۲۰۱۰	سوء استفاده اساسی از حقوق انسانی توسط دولت ایران، انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران	مسدود شدن اموال و منافع افراد تحریم شده و ممنوعیت تأمین مالی و صدور روادید برای آنان
اواخر ۲۰۱۱	پیگیری برنامه های هسته ای توسط ایران	تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که ملاحظه می‌شود میزان تحریم‌ها علیه ایران در این دوره نسبت به دوره‌های قبل افزایش داشته است و به بهانه‌های مختلف، ایران مورد تحریم کشورها به‌ویژه آمریکا قرار گرفت که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر صنعت نفت، صادرات آن و سرمایه‌گذاری در نفت ایران تأثیر جدی گذاشته و عمدتاً این تحریم‌ها، تحریم‌های مالی بوده و اقتصاد کشور را مورد حمله قرار داده است.

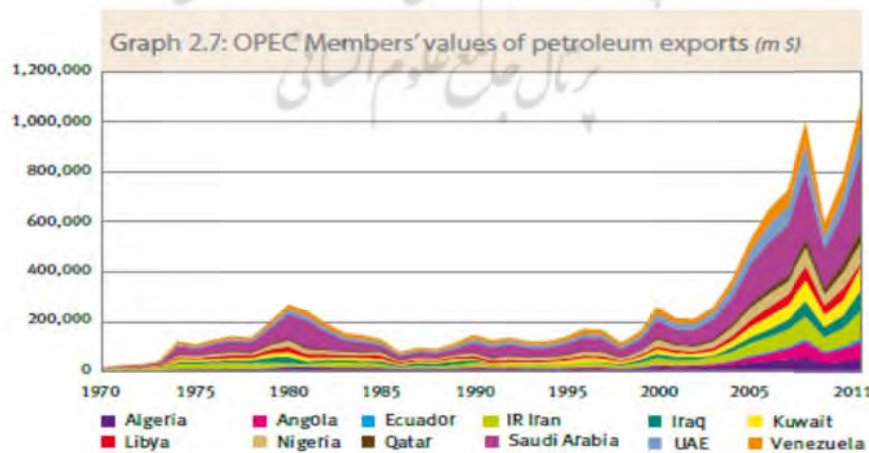
۳-۴. درآمدهای نفتی

همان‌طور که گفته شد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ افزایش درآمدهای نفتی ایران به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت بود. اما از سال ۱۳۸۸ به بعد به دلیل کاهش میزان تولید نفت در ایران، درآمد کاهش اندکی داشت اما در سال بعد دوباره افزایش پیدا کرد و این رقم در سال ۱۳۹۰ به بالاترین سطح خود در طول این سال‌ها رسید (Annual Statistical Bulletin, 2012).

سال	میزان درآمد	سال	میزان درآمد
۱۳۸۴	۵۳,۸۲	۱۳۸۸	۶۲
۱۳۸۵	۶۲,۰۱	۱۳۸۹	۷۴
۱۳۸۶	۸۱,۰۶	۱۳۹۰	۱۱۳
۱۳۸۷	۸۱,۹		

(ارقام میلیارد دلار می باشد)

به نمودار درآمد نفتی کشورهای عضو اوپک از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۱ م دقت نمایید:



همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایران در ردیف هفتم و ونزولا در مقام اول درآمد قرار داشت.

۴-۴. حوادث این دوره، تحریم‌ها و سیاست‌های نفتی

این دوره که با ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد آغاز می‌شود، با دوره‌های دیگر کمی متفاوت است. آغاز این دوره با افزایش میزان تولید کشور که بعد از انقلاب بی‌سابقه بود، همراه است و در پایان آن نیز دوباره کاهش میزان تولید رخ داد. در این دوره تحریم‌های بیشتری نسبت به سال‌های قبل بر ایران تحمیل شد ولی با تمام این تحریم‌ها ایران در برخی بخش‌ها توانست موفقیت‌هایی را کسب نماید.

تحریم‌های این دوره که با آغاز دوباره غنی‌سازی اورانیوم در کشور شروع شد، بیشتر حول محور پرونده هسته‌ای است. بانک‌ها، شرکت‌ها، اشخاص و بانک مرکزی تحریم شدند که گردش پولی و مالی کشور را هدف قرار داد. در این دوره افزایش میزان تولید از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ و بعد از آن تا سال ۲۰۱۱ با کاهش دوباره تولید مواجه شد. در این دوره فاز ۶، ۷ و ۸ میدان پارس جنوبی به بهره‌برداری کامل رسید که جدول آن در ذیل آورده می‌شود (گروه نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

مراحل توسعه	
۶، ۷ و ۸	
پتروپارس	پیمان کار اصلی
۲۹۲۵	میزان تولید گاز استاندارد (میلیون فوت مکعب در روز)
۱۱۷۰۰۰	تولید میعانات گازی (بشکه در روز)
۰	تولید گوگرد (تن در روز)
۱،۲	گاز مایع (میلیون تن در سال)
۰	اتان (میلیون فوت مکعب در روز)
۱۳۸۵	سال بهره‌برداری کامل

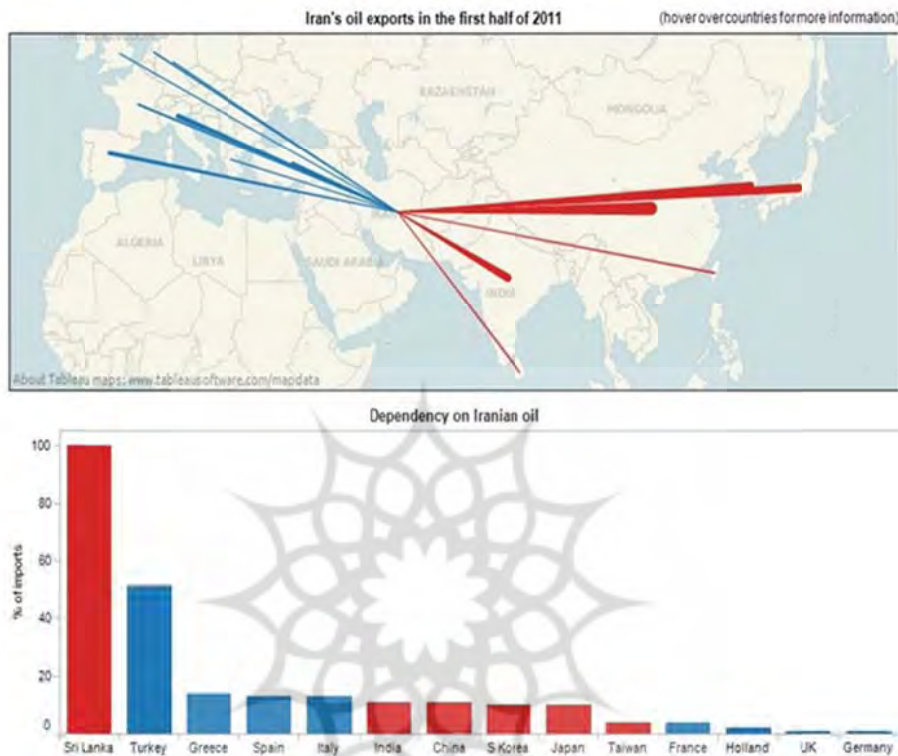
در راستای همکاری ایران با عراق در سال ۱۳۸۶، یک موافقت‌نامه برای احداث خط لوله انتقال نفت خام و فرآورده‌های آن بین ایران و عراق به امضا رسید. در سال ۱۳۸۹ برای صادرات گاز به آذربایجان اعلام آمادگی شد. ارمنستان نیز از سال ۲۰۰۹ واردات گاز از ایران را شروع کرد.

بخش عظیمی از صادرات ایران به ترکیه را نیز صادرات نفتی و گازی تشکیل می‌دهد. خط لوله صلح نیز در سال ۱۳۸۹ مطرح شد که قرار است گاز ایران را به پاکستان ببرد. ایران در سال ۲۰۰۹، روزانه حدود ۴۲۱ هزار بشکه نفت خام به ژاپن صادر کرد که در این سال بعد از عربستان و امارات سومین صادرکننده نفت به ژاپن است و حدود ۱۳ درصد از نفت مصرفی ژاپن را تأمین کرد. اما در سال ۲۰۰۶، ژاپن تحت تأثیر فشارهای آمریکا ۷۵ درصد از سهام خود را در میدان نفتی آزادگان به ۱۰ درصد کاهش داد (ثقفی عامری، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲۱).

ایران در سال ۲۰۰۹، روزانه ۸۱ هزار و ۴۴۶ بشکه نفت خام به کره جنوبی صادر کرد. شرکت نفت مالزی "پتروناس" در حوزه‌های نفت و گاز ایران فعال بود و در دسامبر سال ۲۰۰۸ نیز شرکت "اس.کی.اس" مالزی قراردادی به ارزش ۱۶ میلیارد دلار با شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی ایران منعقد کرد (ثقفی عامری، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲۱). همان‌طور که ملاحظه می‌شود به‌رغم تحریم‌های متعدد، ایران توانست با کشورهای مختلفی قراردادهایی را در زمینه نفت و گاز منعقد کند که بسیار حائز اهمیت است اما اینها کافی نیست، چرا که ظرفیت ایران در زمینه نفت و گاز بسیار بالا و جزء برترین‌ها در این زمینه می‌باشد.

بریتیش پترولیوم در گزارش سالانه خود از بخش انرژی ایران اعلام کرد که با وجود تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه بخش نفت ایران، تولید نفت ایران در سال ۲۰۱۰ با افزایش قابل توجهی مواجه شد. به گزارش وال استریت ژورنال، برخی مقامات انگلیس و اتحادیه اروپا موفق شده‌اند تعدادی از قانون‌گذاران آمریکایی را قانع کنند تا شرکت معروف انگلیس بریتیش پترولیوم موسوم به بی‌پی ۱ از تحریم‌های اعمال‌شده علیه صنایع نفت و گاز ایران معاف گردد. به نمودار میزان نفت کشورهای زیر توجه نمایید:

میزان صادرات ایران به ۱۴ کشور جهان در نیمه اول سال ۲۰۱۱

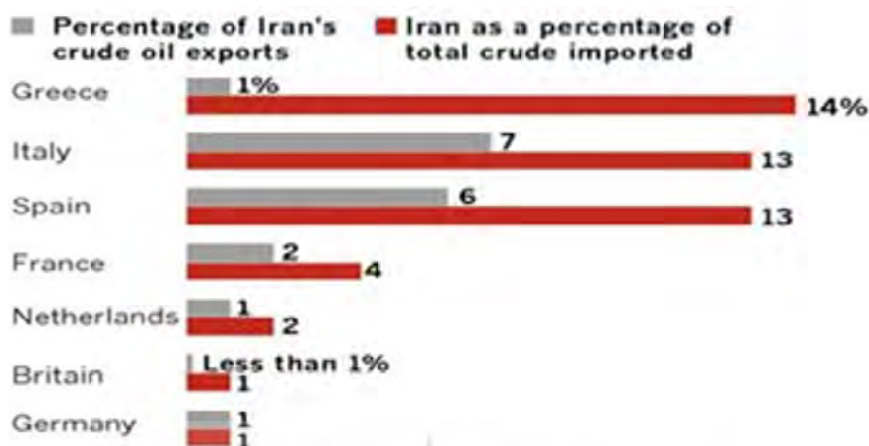


ارزش صادرات فرآورده‌های نفتی عربستان در بالاترین سطح است و بعد از آن ایران قرار دارد. اما در مجموع صادرات، عربستان اول و بعد از آن امارات عربی متحده در مقام دوم و ایران در ردیف سوم قرار دارد. البته این آمار مربوط به نیمه اول ۲۰۱۱ است، اما در مجموع این سال ایران در رتبه دوم قرار می‌گیرد. به نمودارهای مقصد صادرات ایران در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ توجه نمایید:

نمودار مقصد صادرات ایران ۲۰۱۰

Country	000 bbl/d	Share of total (percent)
China	426	20
Japan	362	17
India	345	16
Italy	208	10
South Korea	203	9
Other	610	28
Total Exports	2,154	100

(energy information administration, 2011)



همان‌طور که از تصاویر نمایان است، کشورهایی که مقصد صادرات ایران در سال‌های مورد بررسی می‌باشند، چند کشور مشخص هستند که به نوعی مشتری ثابت ایران محسوب می‌شوند که این امر از جنبه‌ای مثبت و از جنبه‌هایی منفی است؛ جنبه مثبت به این معناست که ایران توانسته مشتری‌های ثابتی داشته باشد اما جنبه منفی نیز از این جهت است که ایران نباید تمام برگه‌های برنده خود را در چند کشور خلاصه کند، زیرا ممکن است زمانی از خرید و حمایت خود دست بردارند و کشور را با مشکل مواجه سازند، لذا باید تدابیری اندیشید و برگ‌های برنده بیشتری را فراهم نمود.

نتیجه‌گیری

در جدول زیر کشورهای خارجی که در پروژه‌های ایران در طول این چند سال همکاری و سرمایه‌گذاری نمودند آورده شده است. با یک نگاه کلی به این جدول مشخص می‌شود که سیاست‌های نفتی در جمهوری اسلامی ایران در دو دوره مورد بررسی متفاوت بوده است، در دوره خاتمی ایران بیشترین همکاری را با شرکت‌های بزرگ نفتی جهان همچون توتال فرانسه، انی، رویال داچ‌شل و کانادا داشت. در حالی که در دوره احمدی‌نژاد بنا به دلایل مختلف از جمله تحریم‌های سنگین‌تر نسبت به قبل و تلاش برای یافتن جایگزین بازار مصرف و فروش نفت، همکاری‌ها به سمت کشورهای دیگر از جمله کره جنوبی، آفریقا، ونزوئلا، چین، روسیه و هند رفت (Katzman, 2013: 5). همچنین در جدول زیر مقایسه‌ای از وضعیت نفت به‌طور کلی در دوره خاتمی و احمدی‌نژاد آورده و تلاش شده است تا نمایی از وضعیت تولید و صادرات و همچنین درآمدها ذکر شود.

مؤلفه	خاتمی	احمدی نژاد
مدت ریاست جمهوری	دو دوره متوالی (۸ سال)	دو دوره متوالی (۸ سال)
نوع سیاست خارجی	تنش‌زدایی و پذیرش نرم‌های موجود نظم جهانی	تقابل با نظم موجود جهانی
میانگین میزان تولید	۳۱۳۷۵۲۶ میلیون بشکه در روز	۲۳۸۶۲۴۵ میلیون بشکه در روز
میانگین میزان صادرات	۹۳۱ هزار بشکه در روز	۱۰۴۱۰۰۰ بشکه در روز
درآمدهای نفتی	۱۸۷/۰۵ میلیارد دلار	۵۲۷/۷۹ میلیارد دلار
مهم‌ترین تحریم‌ها	تمدید تحریم ایلسا	تحریم بانک مرکزی و مسدود شدن اموال، کشتی‌رانی و نفتی
رتبه ایران در تولید نفت اوپک	در کل دوره بعد از عربستان در رتبه دوم	در کل دوره بعد از عربستان در رتبه دوم
رتبه ایران در صادرات نفت اوپک	در کل دوره بعد از عربستان در رتبه دوم	در کل دوره در رتبه دوم، به جز سال ۲۰۰۶ که در رتبه سوم قرار گرفتیم
سال	نام شرکت‌ها و یا کشورهای سرمایه‌گذار در نفت ایران	
۱۹۹۹	توتال فرانسه، انی ایتالیا، کانادا، رویال داچ‌شل، جاکس ژاپن	
۲۰۰۰	نورسک هیدرو و استیت اوپل نروژ، گاز پروم و لایک اوپل روسیه، انی ایتالیا	
۲۰۰۱	سودان، انی ایتالیا	
۲۰۰۲	کانادا، چین، استیت اوپل نروژ	
۲۰۰۴	اینپکس ژاپن، برزیل، سینوپک چین	
۲۰۰۵	تایلند	
۲۰۰۶	سینوپک چین، ژاپن، کره جنوبی	
۲۰۰۷	کره جنوبی، رویال داچ شل، رسپول اسپانیا، ترکیه، مالزی، بلاروس	
۲۰۰۸	ادیسون ایتالیا، لهستان، ویتنام، عمان، اینا، آلمان، مالزی، چین	
۲۰۰۹	چین، آفریقای جنوبی، هند، آنگولا، ونزوئلا، کره جنوبی، ایتالیا	
۲۰۱۰	چین	
۲۰۱۱	گاز پروم روسیه، تات نفت روسیه	

همان‌طور که در مقاله حاضر آمده است، در دوران خاتمی که از آن به عنوان دوره تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یاد می‌شود نفت حوادثی چند را به خود دیده است. خاتمی زمانی دولت را تحویل گرفت که درآمد کشور در اولین سال ریاست جمهوری او میزان ۱۰,۴۸ میلیارد دلار بوده است که درآمد بالایی نبود. در سال‌های قبل از ریاست جمهوری خاتمی تحریم سنگین قانون تحریم ایران و لیبی علیه ایران تصویب شد که در دوران او نیز ادامه پیدا کرد. طبق این تحریم که در ابتدا سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار و بعد سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار را در صنعت نفت ایران ممنوع کرد که باعث کاهش میزان سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی در ایران شد. به‌رغم اینها در این دوره در حالت کلی سیاست خارجی تلاش بر این بود روابط با کشورهای دیگر برقرار شود تا از این طریق از آثار تحریم‌ها کاسته شده، و بتوان به وضعیت نفت سامان بیشتری داد.

اگر نگاهی به سرمایه‌گذاری کشورهای اروپایی در این دوره شود، مشخص می‌گردد که تاحدودی این سیاست‌ها موفق بوده است، هر چند تلاش‌ها نمی‌توانست به نتایج مطلوب برسد چرا که در کشور آمریکا جمهوری خواهان چندان عمل متقابل انجام نمی‌دادند تا روند تنش‌زدایی بهتر به پیش برود. با وجود این، دولت خاتمی فقط توانست تولید را در یک روند ثابت نگه دارد و تنها در سال آخر با افزایش تولید مواجه شد. اما صادرات نفت از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ رشد مناسبی داشته است. نکته جالب این است که در این سال‌ها بیشترین صادرات ایران به کشورهای اروپایی بوده است که در سال ۲۰۰۴، ۲۹ درصد از کل صادرات نفتی ایران را شامل می‌شد. در دوره دوم خاتمی نیز تمدید قانون تحریم ایران و لیبی همزمان با روی کار آمدن بوش پسر انجام شد. دولت بوش ایران را به عنوان محور شرارت معرفی کرد، با این حال رئیس‌جمهور دست از سیاست‌های دیپلماسی محور خود برنداشت. درآمد کشور که در ابتدای سال ریاست جمهوری خاتمی ۱۰,۴۸ میلیارد دلار بوده است در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ رشد چشمگیری پیدا نمود که در سال ۱۳۸۴ به رقم ۵۳,۸۲ میلیارد دلار رسید. از دیگر ویژگی‌های این دوره می‌توان به پذیرش اصل تعامل مؤثر و همکاری در عین رقابت با دیگر اعضای اوپک از جمله عربستان، حضور فعال و ایجاد گفتگو بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، همکاری با شرکت‌های نفتی از جمله شرکت توتال در فازهای ۲، ۳ و ۴ پارس جنوبی، حفظ بازار مصرف‌برای نفت ایران از راه دیپلماسی و ایجاد فضای دور از تنش اشاره نمود.

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ سیاست‌های ایران به یک‌باره دچار تغییر اساسی شد. تنش‌زدایی جای خود را به تقابل با سیستم جهانی داد و

مسائلی را برای ایران به بار آورد. میزان تولید نفت ایران تا سال ۲۰۰۹ همان میزان رشدی را داشت که در پایان دوره ریاست جمهوری خاتمی اتفاق افتاده بود اما از سال ۲۰۰۹ به بعد کاهش جدی میزان تولید نفت کشور رخ داد. روند صادرات نیز روندی ثابت را طی کرد اما در سال ۱۳۸۸ با کاهش شدیدی مواجه شد. در این دوره تحریم‌های بسیاری علیه جمهوری اسلامی ایران و صنعت نفت کشور اعمال شد. درآمدهای نفتی کشور در این دوره به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت، افزایش چشمگیری داشت به طوری که درآمد دولت از نفت در سال ۱۳۹۰ به ۱۱۳ میلیارد دلار رسید که بیش از دو برابر میزان درآمد آخرین سال ریاست جمهوری خاتمی بود. در این دوره نیز همکاری‌هایی با شرکت‌های نفتی صورت گرفت و قراردادهایی به امضا رسید اما بیشتر شرکت‌ها به دلیل تحریم‌ها نتوانستند به همکاری‌های خود با ایران ادامه دهند. در اوپک هم در این سال‌ها بر رقابت افزوده شد و کمتر جنبه همکاری جویانه به خود دید. فازهای مختلف پارس جنوبی در این دوره افتتاح شد که متأسفانه خیلی از آن‌ها نتوانست به بهره‌برداری برسد.

به‌رغم تمام تحریم‌هایی که بر ایران صورت گرفت دولت توانست روند صادرات را در یک حد معقول (البته نسبت به حجم تحریم) نگه دارد هرچند باتوان و ظرفیت نفتی کشور فاصله زیادی داشت. اما هر چه به سال‌های آخر ریاست جمهوری احمدی‌نژاد نزدیک‌تر می‌شویم از میزان صادرات و تولید کشور کاسته می‌شود. در مجموع به دلیل نبود سیاست‌های مدون نفتی در کشور و وجود تحریم‌های شدید نفتی و غیرنفتی که فضای ایجاد معامله را برای کشور دشوار می‌کرد، در هر دو دوره مورد بررسی، ایران نتوانست از ظرفیت‌های نفتی خود بهره‌برد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای نفتی جهان آنچنان که شایسته است در سیاست‌های نفتی و بازارهای انرژی جهان تأثیرگذار و تعیین‌کننده باشد.

با نگاهی کلی به آمارهایی که در این مقاله آمده است می‌توان دریافت که دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران اگر گفته نشود که هنوز شکل نگرفته است، در مراحل اولیه خود به سر می‌برد. نگاهی به وضعیت تولید و صادرات کشور در هر دو دوره نشان می‌دهد که چه فروش و چه صادرات با سیاست‌های مشخص و تدوین‌شده‌ای که در یک خط‌سیر حرکت کنند، به جلو نمی‌رود؛ که البته خود دلایل متعدد دارد و یکی از آن‌ها تحریم‌های مختلف علیه ایران و دیگری رقابت‌های شدیدی است که دیگر کشورهای صادرکننده نفت به‌ویژه عربستان در اوپک با ایران دارند. البته نباید سهل‌انگاری‌های داخلی در عدم تهیه یک سیاست تدوین‌شده را نادیده گرفت. در مجموع ایران در هیچ‌یک از این دو دوره نتوانست از تنوع بازار مصرف بهره‌برد و دلیل

اصلی آن نیز تحریم‌ها و سیاست‌های حذفی کشورهای رقیب ایران در عرصه انرژی و دیگر عرصه‌هاست.

باتوجه به نظر گیلپین برای این که یک کشور بتواند در عرصه دیپلماسی انرژی تأثیرگذار باشد و نقش تعیین‌کننده داشته باشد باید به یک قدرت هژمونی در آن حوزه تبدیل شود. با در نظر گرفتن این نظریه باید گفت که ایران به دلایل مختلف از جمله تحریم‌های متعدد و نداشتن دیپلماسی تدوین شده و منسجم نتوانسته به عنوان یک قدرت هژمونی در اوپک ظاهر شود. دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد هرکدام به تناسب خود (با توجه به توضیحاتی که در متن آمده است)، نتوانستند در حد مطلوب و مورد توقع از ایران به عنوان یکی از کشورهای بزرگ نفتی جهان، از ابزار انرژی به سود دیپلماسی کشور بهره برده و قدرت چانه‌زنی خود را در عرصه بین‌المللی بالا ببرند.

منابع

الف) فارسی

- آلادپوش، علی، توتونچیان، علیرضا (۱۳۷۲)، دیپلمات و دیپلماسی، تهران: وزارت امور خارجه.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۹)، دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران (سیاست خارجی، انرژی هسته‌ای)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- بهروزی‌فر، مرتضی (۱۳۸۳)، "اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی"، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۳.
- پوراحمدی، حسین، (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، "اقتصاد سیاسی دیپلماسی کارآمد در نظام جهانی؛ مبانی، ابزارها و راهکارها"، دانش سیاسی، شماره ۵.
- ترازنامه انرژی، وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۹)، ایران و تحولات ژئوپلیتیک نفت و گاز، مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حلیم زمهریر، ابوالفضل و میرزایی‌فرد، سعید (۱۳۸۹)، اهمیت ژئواکونومیک ایران برای اتحادیه اروپا و مسئله تحریم‌ها، مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

دخانی، وحید (مهر ۱۳۸۷)، "تاریخچه فعالیت‌های بالادستی صنعت نفت ایران در سده گذشته (۱۳۸۷-۱۲۸۷)"، اکتشاف و تولید نشریه فنی تخصصی شرکت ملی نفت ایران، شماره ۵۰.

زنگنه، بیژن (۱۳۸۹)، مؤلفه‌های اصلی صنعت نفت با تأکید بر روابط خارجی، مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

عادلی، سید محمدحسین (۱۳۸۹)، تحریم اقتصادی و اثر آن بر نفت، مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

قمصری، سیدمحمد مهدی و نسیمی، همایون (۱۳۸۹)، تحریم‌های بین‌المللی: چالش فراروی صنعت نفت ایران، مجموعه مقالات دیپلماسی انرژی، تهران: نشست تخصصی دیپلماسی انرژی کمیسیون سیاسی، دفاعی امنیتی.

قنبرلو، عبدالله (تابستان ۱۳۸۸)، "اقتصاد سیاسی جهانی: درک نظم اقتصاد بین‌الملل"، نقد و بررسی کتاب، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۴۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، "تحلیل سیاست بین‌الملل در چارچوب رویکرد جامعه بین‌المللی"، نشریه پژوهش حقوق و سیاست.

گروه نویسندگان، به اهتمام داریوش مبصر (۱۳۷۹)، کالبدشکافی سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل)، تهران: کویر.

گیلپین، رابرت (مرداد و شهریور ۱۳۷۸)، "ماهیت اقتصاد سیاسی"، ترجمه و تلخیص: مهدی تقوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۴-۱۴۳.

مؤسسه تدبیر اقتصادی (۱۳۸۷)، "تحریم اقتصادی، آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها".

میرترابی، سعید (۱۳۸۴)، مسائل نفت ایران، تهران: نشر قومس.

ناصرپور، حسن (۱۳۸۶)، شناخت راهبرد جنگ اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت سیاسی مرکز عقیدتی-سیاسی ناجا.

نشریه مشعل (۳۰ بهمن ۱۳۹۰)، شماره ۵۸۲.

نشریه مشعل (نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۸۳)، شماره ۲۶۸، سال دهم.

نشریه اکتشاف و تولید، (آبان ۸۹)، "دیپلماسی انرژی و تجارت فرآورده‌های نفت و گاز"، شماره ۷۳.

نصری، قدیر (۱۳۸۰)، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی.

(ب) انگلیسی

Annual Statistical Bulletin, (2006).

Annual Statistical Bulletin, (2012).

BP Statistical Review of World Energy, (2004).

Gilpin, G. Robert (1987), The Theory of Hegemonin Stability, available at:
<http://faculty.maxwell.syr.edu/merupert/Teaching/Hegemonic%20Stability%20Theory.htm>.

Katzman, Kenneth (March 21, 2013), Iran Sanctions, Middle Eastern Affairs.

Oil and Gas Journal, (2011).

Qinhua, Xu (13 August 2007), "Chinas Energy Diplomacy and its Implications for Global Energy Security", Global Energy Security.

